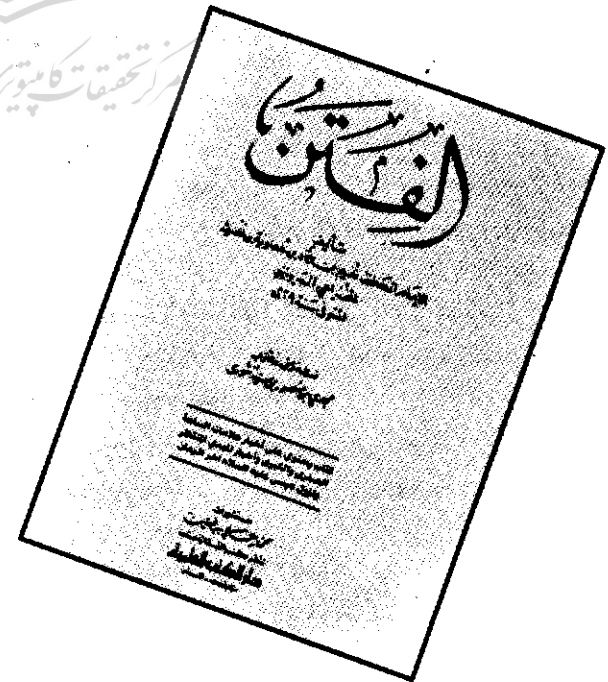


«الفتن»

ابن حماد قدیمی ترین کتاب در مهدویت

مصطفی صادقی



الفتن، الامام الحافظ نعیم بن حماد بن معاویه بن الحارث الخزاعی المرزوی (متوفی ۲۲۹هـ ق)، ضبطه و صححه و علق علیه مجدی بن منصور بن سید الشوری، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۵۵۲ص، وزیری.

مقدمه

آشنایی من با کتاب الفتن به مناسبت طرحی بود که بر عهده نگارنده گذاشته شد تا با نگاهی تاریخی به نشانه های ظهور مهدی (ع) به نقد و بررسی روایات آن پردازد. با مطالعه منابع و کتب متعدد مربوط به نشانه ها متوجه شدم که مأخذ بسیاری از آنها کتابی کهن از یکی از محدثان اهل سنت یعنی نعیم بن حماد است. کتاب الفتن وی را باید از منابع مهم روایت های علائم ظهور به شمار آورد که تأثیر زیادی بر مجامع روایی شیعه و اهل سنت داشته است. نویسنده آن از بزرگان اهل حدیث و مخالفان سرسخت معتزله و همچنین اهل رأی (قیاس) است که در زندان از دنیا رفته است. به دلیل قدمتی که این اثر دارد و همچنین لزوم بررسی اعتبار و تأثیر آن بر کتاب های بعدی، پیشنهاد برخی دوستان جهت معرفی آن را پذیرفتم. امید است این نوشتار به خصوص برای محققانی که قصد قلم زدن در موضوع مهدویت و نشانه های ظهور را دارند؛ سودمند واقع شود.

پیشینه کتب فتن

فتن و ملاحم دو عنوانی است که از حوادث آینده و پیشگویی های آخرالزمان سخن می گویند. این دو عنوان از قدیم مورد توجه و اهتمام محدثان و مؤلفان مسلمان بوده و چه در ضمن جوامع روایی و چه به صورت مستقل به آن پرداخته اند. از مراجعه به فهرست ها استفاده می شود که عنوان «الفتن» در میان اهل سنت بیشتر کاربرد داشته و نام کتاب های آنان قرار گرفته است؛ همان گونه که مؤلفان شیعه غالباً از عنوان «ملاحم» استفاده کرده اند. الفتن ابن حماد، الفتن ابو عمرو دانی، الفتن حنبل بن اسحاق، الفتن سلیمی، الفتن زکریا بن یحیی، الفتن ابونعیم اصفهانی و الفتن و الملاحم (آخرین بخش از کتاب البدایة و النهایة) ابن کثیر نمونه هایی از تألیفات مستقل اهل سنت در این

به سقیفه، گفت: علت این کار ترس از وقوع فتنه بود و سعد بن عباد که حاضر نشد با ابوبکر بیعت کند، توسط عمر (صاحب فتنه) قلمداد شد.^۷ دوره خلافت عمر را دوره خاموشی فتنه ها می دانند و می گویند مدتی پس از خلافت عثمان فتنه ها آغاز و با قتل او فتنه ای بزرگ واقع شد. بیشترین و مهم ترین فتنه ها در دوران خلافت امیرالمؤمنین علی (ع) رخ داد؛^۸ به گونه ای که برخی صحابه و فرزندان آنان را به گوشه گیری کشانید. در منابع تاریخی از اقدام طلحه و زبیر و نبرد جمل، برافراشتن قرآن ها در صفین، جریان حکمیت و جنگ نهروان به فتنه تعبیر می شود؛ چنانکه علی (ع) نیز این واژه را در خطبه ها و نامه های خود به کار برده و گاه برخی از همان حوادث را اراده کرده است.^۹ افرادی چون ابوموسی اشعری و عبدالله بن عمر که درک لازم را برای تشخیص حق از باطل نداشتند، به عنوان پرهیز از فتنه، اعتزال و انزوا را ترجیح دادند. معاویه به بهانه جلوگیری از فتنه و ریخته نشدن خون های بیشتر با هر حرکتی برخورد کرد. کشتن حجر بن عدی و یارانش به همین بهانه بود.^{۱۰} گویا سخنی که از خلیفه دوم نقل شده، راه را برای توجیه اعمال خلفای غاصب باز کرد. از او نقل کرده اند که «سلطان عادل از سلطان ظالم بهتر و سلطان ظالم از فتنه بهتر است.»^{۱۱} موضوع دوری از فتنه به ضمیمه عنوان «لزوم اطاعت از حاکم» باعث شد مسلمان نمایان در برابر امام حسین (ع) بایستند و او را به عنوان عامل فتنه به شهادت برسانند.

در مجموع واژه فتنه و جمع آن فتن در آن دوران به آشوب ها و شورش ها اطلاق می شد و عده ای هم متخصص در امور فتن شناخته می شدند؛ چنانکه برخی تابعان گفته اند پیشوای ما در

۱. مرحوم مجلسی بخشی از کتاب بحار (ج ۲۸ تا ۳۱ چاپ بیروت) را با عنوان «الفتن والمحن» آورده، ولی مقصود وی سخنی هایی است که پس از پیامبر (ص) به اهل بیت و به خصوص به امیرمؤمنان (ع) رسید، نه حوادث آینده که کتاب های «الفتن» به آن اختصاص یافته است.

۲. رجال نجاشی، ج ۱، ص ۳۰۲.

۳. همان، ص ۱۳۳.

۴. این کتاب به اشتباه به نام الملاحم والفتن شهرت یافته است. ر. ک: صفحه ۳۱ مقدمه آن.

۵. لسان العرب و مفردات راهب، ذیل ماده فتن.

۶. برای نمونه ر. ک: ذاریات، آیه ۱۳، عنکبوت ۱، انبیاء ۳۵، توبه ۴۹ و بروج ۱۰.

۷. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۶۳.

۸. همان، ج ۹، ص ۱۱۶.

۹. ر. ک: المعجم المفهرس للاقفاظ نهج البلاغه، ماده فتن.

۱۰. انساب الاشراف، ج ۵، ص ۲۷۳.

۱۱. تاریخ الممقوس، ج ۲، ص ۱۳۰.

موضوع است. احمد بن حنبل، بخاری، مسلم، ترمذی و دیگران نیز در کتب روایی خود بابتی با عنوان «الفتن» گشوده اند. این در حالی است که در تألیفات شیعیان به این نام کمتر برخورد می کنیم؛^۱ بلکه آنان مطالب مربوط به آینده و حوادث آخر الزمان و علائم ظهور را در کتاب هایی با عنوان «الملاحم» آورده اند. در فهرست های نجاشی و شیخ طوسی بیش از بیست کتاب ملاحم نام برده شده و تنها دو مورد تعبیر الفتن وجود دارد که یکی «الفتن و الملاحم» جعفر بن محمد فزاری^۲ و دیگری «الفتن» حسن بن علی بن ابی حمزه بطنانی است.^۳ جالب اینکه نجاشی پس از نام بردن از این کتاب توضیح می دهد که مقصود همان ملاحم است (و هو کتاب الملاحم). اما اینکه سید ابن طاووس نام کتابش را «التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن»^۴ گذاشته، بدان جهت است که وی سه کتاب فتن از اهل سنت را در آن خلاصه کرده است: الفتن ابن حماد، الفتن سلیلی و الفتن زکریا بن یحیی. با آنچه گفته شد به نظر می رسد عنوان فتن در میان اهل سنت و عنوان ملاحم در میان مؤلفان شیعه خصوصیتی داشته که در انتخاب نام کتاب به آن توجه کرده اند. این خصوصیت به خوبی روشن نیست، اما احتمال می رود اختلاف دیدگاه شیعه و اهل سنت درباره نظام حاکم، منشأ این نام گذاری باشد؛ زیرا قیام های مخالف خلفا غالباً از سوی شیعیان صورت گرفته و از دیدگاه اهل سنت این قیام ها فتنه به شمار می آمد و گوشه گیری و انزوا از چنین حوادثی توصیه می شد. نگاهی به معنای دو واژه فتن و ملاحم می تواند در توضیح این نکته مؤثر باشد.

معنای فتن و ملاحم

واژه فتنه (مفرد فتن) در اصل به معنای جداسازی طلای خالص از ناخالص است و سپس در معانی امتحان، سختی و بلا، وسوسه و گمراه کردن به کار رفته^۵ و در قرآن نیز به همین معانی آمده است.^۶ این واژه در عصر نبوی بیشتر جنبه دینی داشت و غالباً به معنای گمراه کردن استفاده می شد، اما پس از آن فتنه مفهومی سیاسی پیدا کرد و در بیشتر موارد به هر حرکتی که با سیر طبیعی جامعه همگام نبود و منجر به اختلال در نظم عمومی می شد، فتنه می گفتند. ابوبکر در پاسخ اعتراض امیرمؤمنان (ع)



فتنه عبدالله بن عمر است،^{۱۲} یا حسن بصری از متخصصان به امور فتنه‌ها و خون‌ها معرفی شد.^{۱۳} گویا نیاز به تشخیص همین امور بود که کتاب‌های فتن‌تدوین گشت تا حوادث و آشوب‌های آینده را معرفی نماید و مردم را از ورود به آن برحذر دارد. دسته‌ای از این روایات پیشگویی‌ها و اخبار غیبی معصومان نسبت به حوادث آینده بود و دسته‌ای دیگر را حاکمان برای پیشبرد اهداف حکومت خود جعل کردند.

اما کلمه ملاحم، جمع ملحمه است و ممکن است از دو ریشه گرفته شود، گرچه برگشت آن دو نیز به یک اصل است. یکی چسبندگی و دوم گوشت. اگر از ریشه اول گرفته شود، به معنای سختی نبرد است که در آن جنگجویان به همدیگر گلاویز می‌شوند. اما در ریشه دوم به معنای قتلگاه آمده است، کنایه از اینکه گوشت بدن انسان‌ها در آن می‌ریزد. در هر صورت مراد از ملحمه در اینجا حوادث و جنگ‌های خونین است که در آینده رخ می‌دهد.^{۱۴} بنابراین ممکن است انتخاب نام ملاحم برای کتب شیعه در مقابل فتن، اشاره به این باشد که ایستادگی مقابل حاکمان غاصب و ظالم فتنه محسوب نمی‌شود و آنچه در آن رخ می‌دهد، کشتار انسان‌های مبارز است. خواهیم گفت که نام کتابی که در صدد معرفی آن هستیم، «الفتن و الملاحم» نیز گفته شده است، ولی درست نیست و کلمه افزوده بر فتن، در نسخه‌های خطی و چاپی این کتاب وجود ندارد.

مؤلف کتاب الفتن

ابو عبدالله نعیم بن حماد بن معاویه خزاعی مروزی معروف به فارض، زمان ولادتش دانسته نیست. وی اهل مرو بود و برای آموختن حدیث به عراق و حجاز سفر کرد و سرانجام در مصر ساکن شد.^{۱۵}

طبری با یک واسطه از نعیم روایت می‌کند که او گفت من جهمی بودم، اما وقتی به دنبال حدیث رفتم متوجه شدم که اعتقاد آنان به تعطیل می‌انجامد.^{۱۶} پیدااست تا زمانی که ابن حماد در خراسان بوده، تحت تأثیر افکار جهم بن صفوان قرار داشته، ولی بعدها با پیوستن به اهل حدیث در صف مخالفان سرسخت وی درآمد و کتاب‌هایی در ردّ جهمیه نوشته است.^{۱۷} جهمی یا جهمیه فرقه‌ای منسوب به جهم بن صفوان است که عقایدی شبیه معتزله داشت و همراه حارث بن سریج علیه بنی‌امیه در خراسان قیام کرد و در سال ۱۲۸ هـ. ق اسیر و کشته شد.^{۱۸} البته به نظر می‌رسد مخالفت با جهم و مرجئی دانستن او و حتی اصل ارجاء همسو با اهداف خلفای اموی بوده و از سوی اصحاب حدیث

عنوان شده است و بیش از آنکه موضوعی اعتقادی باشد، رنگ سیاسی دارد. بنابراین اتهام افراد به جهمی بودن یا «اهل اهواء» که عنوان مقابل اهل حدیث است، قابل تأمل می‌باشد.^{۱۹}

از جزئیات سفرهای علمی نعیم که در کلام ابن سعد به آن اشاره شد، اطلاعاتی در دست نیست. آنچه مسلم است اینکه مدتی طولانی در مصر سکونت داشته^{۲۰} و برای اظهار نظر درباره موضوع جنجالی خلق قرآن به عراق آمده است. فتنه خلق قرآن یا دوره «محنت» در تاریخ اسلام به دوران سه خلیفه عباسی مأمون، معتصم و واثق گفته می‌شود که متأثر از معتزلیان به مخلوق بودن کلام خدا و قرآن اعتقاد داشتند و با کسانی که قائل به قدمت کلام الهی بودند به شدت برخورد می‌کردند. از آنجا که این موضوع ملاک عزل و نصب‌های دولتی و آزمایشی برای شناخت موافق از مخالف به شمار می‌آمد، دوره محنت نام گرفت. با روی کار آمدن متوکل و به جهت چرخش او به سمت اهل سنت و حدیث، اوضاع کاملاً دگرگون شد و مخالفان نظریه قدیم بودن قرآن تحت پی‌گرد قرار گرفتند.^{۲۱} نعیم بن حماد از قربانیان مخالفت با معتزله و موضوع خلق قرآن بود، وی در ایام معتصم به عراق فراخوانده شد و چون برخلاف اعتقاد حاکم بر دربار نظر داد و به خواسته آنان اعتراف نکرد، در سال ۲۲۳ یا ۲۲۴ در سامرا یا بغداد زندانی شد و در سال ۲۲۸ یا ۲۲۹ از دنیا رفت. گفته‌اند او را با زنجیر اسارت و به قولی بدون کفن و اقامه نماز دفن کردند.

۱۲. انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۳۲۵.

۱۳. الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۱۲۰.

۱۴. ر. ک: لسان العرب، ماده لحم.

۱۵. الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۳۵۹.

۱۶. تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۰۹.

۱۷. تهذیب الکمال، ج ۲۹، ص ۴۷۲.

۱۸. الملل والنحل الشهرستانی، ج ۱، ص ۸۶؛ تاریخ الطبری، ج ۷، ص ۳۳۰ و ۳۳۵.

۱۹. ر. ک: تاریخ سیاسی اسلام، (جعفریان) ج ۲، ص ۷۰۸.

۲۰. در کامل ابن عدی (ج ۸، ص ۲۵۱) این مدت بیش از چهل سال گزارش شده است.

۲۱. درباره فتنه خلق قرآن و دوره محنت ر. ک: حوادث دوران مأمون نامتوکل در تاریخ اسلام.

نکرده اند و نظر بدی درباره قرآن داشت. ازدی گفته است نعیم در تقویت سنت حدیث می ساخت و [از آنجا که خود از اهل حدیث بود و با ابوحنیفه که اهل رأی بود اختلاف داشتند] داستان هایی در طعن ابوحنیفه گفته که همه آنها دروغ است.^{۳۰} از میان علمای شیعه سید ابن طاووس که حدود ثلث کتاب التشریف خود را از ابن حماد نقل می کند، توثیقات او را نقل کرده^{۳۱} و سختی از تضعیف و جاعل بودن وی نگفته است. طبیعی است که انتخاب و بیان توثیقات از سوی سید به دلیل آن است که وی از کتاب الفتن او نقل می کند، نه آنکه تأییدی از یک عالم شیعی نسبت به ابن حماد باشد.

معرفی کتاب

۱. نام کتاب و نسبت آن به مؤلف

مؤلف کتاب الفتن هیچ گاه از آن نام نمی برد، چون غیر از نقل روایت به مطلب دیگری نپرداخته و حتی مقدمه و خطبه ای ندارد. نام او و کتابش در فهرست ها و متون کهن یافت نشد و آنچه خطیب بغدادی گفته که نعیم بن حماد را اولین تنظیم کننده مسند دانسته اند^{۳۲} یا از احمد بن حنبل نقل شده که اولین شخصی که او را به کتاب های مسند می شناسیم ابن حماد است،^{۳۳} گذشته از تأمل در صحت آن، نمی تواند در نسبت کتاب الفتن به مؤلفش سودمند باشد؛ زیرا مسند به کتابی گفته می شود که احادیث را به ترتیب صحابه جمع آوری کند، ولی الفتن کتابی موضوعی است. کسی هم نگفته که راویان این کتاب، آن را از صورت مسند به مبرّج تبدیل کرده باشند. آنچه درباره نام کتاب الفتن و نسبت آن به ابن حماد شهرت دارد، از قرن هفتم به بعد است. سه نفر معاصر در نیمه دوم قرن هفتم، یعنی ابن طاووس در التشریف، شافعی سلمی در عقد الدرر و ابن عدیم در بغیة الطلب کتاب

همچنین گفته شده وی در زندان هم به نقل حدیث اشتغال داشت.^{۳۴} نعیم بن حماد از افرادی چون سفیان بن عیینه، عبدالرزاق بن همام، عبدالله بن مبارک، رشدین بن سعد، فضیل بن عیاض و ابوبکر بن عیاش روایت کرده و بخاری، ابوزرعه دمشقی، ابوحاتم رازی، یحیی بن معین و ... از او نقل حدیث نموده اند.^{۳۵}

بزرگان اهل سنت از ابن حماد تجلیل کرده و برخی هم او را توثیق کرده اند؛ در عین حال روایات او را قوی نمی دانند. دارقطنی او را پیشوای سنت دانسته، اما می گوید اشتباه فراوان دارد. وقتی از یحیی بن معین درباره حدیث «تفترق امتی علی بضع و سبعین فرقه ...» پرسیدند، گفت این حدیث اصل ندارد، گفتند نعیم بن حماد آن را روایت می کند؛ گفت نعیم ثقة است، اما مطلب بر او اشتباه شده است. عبدالغنی بن سعید گوید برگشت این حدیث به نعیم بن حماد است و به واسطه همین نقل او از چشم بسیاری از عالمان حدیث افتاد.^{۳۶}

عجلی، احمد بن حنبل، یحیی بن معین و ابن حبان او را ثقه می دانند، اما نسائی وی را تضعیف کرده است.^{۳۷} ابن عدی درباره او گوید: ضعیف است و برای تقویت سنت جعل حدیث می کرد. سپس احادیث مردود او را ذکر می کند.^{۳۸} ذهبی گوید نعیم از عالمان بزرگ است، ولی اطمینانی به روایات وی نیست. نباید به سخنان او استناد کرد؛ چون در کتاب الفتن مطالبی عجیب و غیر قابل قبول آورده است. یحیی بن معین معتقد است نعیم راستگو بوده، ولی اشتباه زیاد دارد.^{۳۹} در گزارشی می خوانیم که یحیی بن معین، ابن حماد را به دلیل نقل حدیثی از ابن مبارک تویخ کرده و گفته است تو آن را از ابن مبارک نشنیده ای. نعیم ابتدا ناراحت شده، اما سپس به اشتباه خود اعتراف کرده است. نعیم بن حماد کتاب هایی در ردّ ابوحنیفه و شیانی و ۱۳ کتاب در ردّ جهیمه نوشته است. ابن مبارک گوید ابن حماد می خواست عقد ازدواج هایی را باطل کند و حال آنکه مردم بر اساس آن فرزندان داشتند و می خواست معاملاتی را باطل بداند.^{۴۰} ابن حجر به نقل از مسلمة بن قاسم گوید نعیم احادیث نادرستی در موضوع ملاحم آورده که دیگران نقل

۲۲. تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۱۴، ۳۱۵ و ۳۰۸.
۲۳. تهذیب الکمال، ج ۲۹، ص ۴۶۶-۴۶۸.
۲۴. تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۰۸، ۳۰۹ و ۳۱۲.
۲۵. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۵۹۷ و ۶۰۹.
۲۶. الکامل فی صفاء الرجال، ج ۸، ص ۲۵۱.
۲۷. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۶۰۰ و ۶۰۹.
۲۸. تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۴۶۲.
۲۹. تهذیب الکمال، ج ۲۹، صص ۴۷۱ و ۴۷۲.
۳۰. تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۴۶۲.
۳۱. التشریف بالمتن، ص ۶۲ و ۶۳.
۳۲. تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۰۸.
۳۳. تهذیب الکمال، ج ۲۹، ص ۴۶۸.



الفتن را از نعیم بن حماد دانسته و از آن روایت کرده اند. ذهبی (م ۷۴۸) نیز این مطلب را ذکر کرده است. ۳۴ البته برخی از این کتاب به «الفتن و الملاحم» تعبیر می کنند، ۳۵ اما شهرت این کتاب به «الفتن» است و در نسخه های خطی و چاپی از آن اینگونه تعبیر شده و «الملاحم» را ندارد.

۲. شکل و محتوا

کتاب الفتن ابن حماد از ده جزء تشکیل شده، ولی دلیل این تقسیم بندی و تفاوت این اجزاء روشن نیست. چون در هر جزء روایاتی وجود دارد که عناوین همان روایات در اجزای دیگر نیز به چشم می خورد. تعداد ابواب هر جزء نیز متفاوت است. جزء اول شامل ده باب، جزء دوم چهار باب، جزء سوم ۱۰ باب جزء چهارم ۱۴ باب، جزء پنجم ۱۶ باب، جزء ششم ۲ باب، جزء هفتم ۶ باب، جزء هشتم تا دهم هر کدام ۵ باب. متأسفانه این کتاب هیچ مقدمه و مؤخره ای ندارد و مؤلف از آغاز تا انجام آن را به نقل روایت پرداخته و هیچ مطلبی در ابتدا یا انتهای کتاب بیان نکرده و در لابه لای روایات نیز هیچ گونه تفسیر و توضیحی از خود نیفزوده است. درباره اینکه ترجمه (عنوان) هر باب از سوی مؤلف یا راویان یا ناسخان تنظیم شده، نمی توان اظهار نظر قطعی نمود. اما مسلم است که ترجمه باب ها در نسخه اصلی وجود دارد؛ اما عنوان باب های اول اجزاء ده گانه را مصححان با استفاده از متن اولین روایت باب استخراج کرده و در فهرست آورده اند. در چاپ آخر همان عنوان علاوه بر فهرست در ابتدای باب هم آمده است.

در هر صورت کتاب الفتن در مجموع ۷۷ باب دارد که به جهت طولانی بودن برخی از عناوین آنها، به کلیات ابواب اشاره می کنیم: باب اول و دوم درباره یادآوری رسول خدا (ص) و صحابه نسبت به فتنه های آینده و نام این فتنه ها؛ باب دوم تا ششم: ویژگی های فتنه و موضع گیری ها نسبت به آن. باب هفتم تا سیزدهم: تعداد و نام خلفای پس از پیامبر و پادشاهی پس از خلافت، اشاره به عدد دوازده و نام خلفای راشدین و برخی از بنی امیه و بنی عباس؛ باب چهاردهم و شانزدهم: استحباب دوری از فتنه ها و گوشه گیری؛ باب پانزدهم: فتنه ابن زبیر؛ باب هفدهم: نشانه های سقوط بنی امیه؛ باب هجدهم: خروج بنی عباس از خراسان با پرچم های سیاه و ...؛ باب نوزدهم تا بیست و یکم: نشانه های سقوط بنی عباس (اختلاف، خروج ترکان، نشانه های آسمانی مانند صدا و ...)؛ باب ۲۲: فتنه شام؛ باب ۲۳: سلطنت سفلیگان؛ باب ۲۴: پناهگاه از فتنه ها؛

باب ۲۵: اهمیت شام در اسلام؛ باب ۲۶ تا ۲۸: خروج بربر؛ باب ۲۹ و ۳۰: سفیانی؛ باب ۳۱ و ۳۲: پرچم های سه گانه و سفیانی؛ باب ۳۳ تا ۴۱: نزاع سفیانی و بنی عباس و پرچم های سیاه و ...؛ باب ۴۲ تا ۵۱: مهدی و نشانه های خروج او؛ باب ۵۲ تا ۵۷: حوادث مربوط به حمص و فتح هند و قسطنطنیه و قحطانی و ...؛ باب ۵۸ تا ۶۴: درباره دجال؛ باب ۶۵ و ۶۶: فرود آمدن حضرت عیسی (ع)؛ باب ۶۷: خروج یاجوج و ماجوج؛ باب ۶۸: خسف و زلزله و مسخ و ...؛ باب ۶۹: آتشی که همگان را به سوی شام بکشاند؛ باب ۷۰ تا ۷۲: نشانه های قیامت و طلوع خورشید از مغرب؛ باب ۷۳: خروج دابه؛ باب ۷۴ و ۷۵: حبشه و خروج آنان؛ باب ۷۶: خروج ترکان؛ باب ۷۷: زمان فتنه ها. چنان که از عناوین باب های کتاب پیداست، مؤلف در صدد جمع آوری روایاتی درباره حوادث آینده، ظهور مهدی و نشانه های قیامت بوده است.

درباره کتاب الفتن چند نکته قابل توجه است اول اینکه ابن حماد بیشتر روایات را از صحابه یا تابعین نقل می کند و آنگونه که انتظار می رود، سند روایات به رسول خدا (ص) نمی رسد. برای نمونه از مجموع حدود ۱۷۰ روایت باب های ۲۹ تا ۴۴ این کتاب که درباره مهدی و سفیانی است، تنها حدود ۲۵ روایت از پیامبر و امیر مؤمنان (ع) و امام باقر (ع) صادر شده و دیگر اسناد کتاب به افرادی چون کعب الاحبار، محمد ابن حنفیه، زهری، ارطاة و ... ختم می شود. اینگونه سندها نه تنها از نظر شیعه ارزشی ندارد، در نظر اهل سنت نیز حجیت ندارد، چون اصطلاحاً موقوف به شمار می رود؛ یعنی سند آن به صحابی متوقف می شود.

نکته دوم اینکه مکررات کتاب الفتن زیاد است؛ یعنی یک حدیث در ابواب مختلف با سلسله سند و متن واحدی ذکر شده و گاه تقطیع در آن صورت گرفته است؛ به طوری که شاید بتوان یک چهارم از کتاب را مکرر دانست.

نکته سوم: علاوه بر روایات زیادی که ابن حماد از امیر مؤمنان (ع)

۳۴. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۶۰۹، ج ۱۳، ص ۳۱۸.

۳۵. بغیة الطلب، ج ۱، ص ۴۸۹؛ هدیه العارفین، ج ۲، ص ۴۹۷؛ الاصلاح زرکلی، ج ۸، ص ۴۰.

راستگو و موثق است، اما غلو او در تشیع را نیز گزارش می کند و از برخی هم دروغگو بودن را ویژگی او دانسته است. ذهبی همچنین به نقل از حاکم می نویسد: شعرانی کتاب هایی را مفرداً روایت کرده که از آن جمله الفتن نعیم بن حماد است.^{۳۹} نام شعرانی در روایات شیعه نیز وجود دارد،^{۴۰} اما جرح و تعدیلی درباره او وارد نشده است.

۴. نسخه ها

بنا به گفته محققان کتاب الفتن (زهیری در چاپ قاهره و زکار در چاپ دارالفکر) از این کتاب دو نسخه بیشتر وجود ندارد. یک نسخه از آن در موزه انگلیس است که نگارنده تصویری از آن را در کتابخانه تاریخ دیده ام. تکیه ناشران و محققان در چاپ های موجود بر این نسخه بوده و آن را اصل قرار داده اند؛ چون خواناتر است و اسناد روایات را دربر دارد. اما نسخه دیگر با اینکه قدیمی تر است و به سال ۶۸۷ هـ. ق نوشته شده اسناد را حذف کرده و به این سبب از اعتبار کمتری برخوردار است. این نسخه خطی در کتابخانه استانبول نگهداری می شود. زرکلی از نسخه دیگری که به سال ۶۸۷ هـ. ق نوشته شده و در دانشگاه ریاض موجود است، خبر داده^{۴۱} که گویا تصویر همان نسخه استانبول باشد. نسخه ای که مصدر کتاب عقدالدرر به شمار آمده از کتابخانه ظاهره دمشق است و سال کتابت آن روشن نیست.

۵. چاپ ها

کتاب الفتن تاکنون توسط سه نفر تصحیح یا تحقیق و منتشر شده و در مجموع پنج نوبت چاپ شده است. مشخصات این چاپ ها به تفصیل در پی می آید: اول؛ چاپ دو جلدی که فقط در این مرتبه دو جلدی منتشر شده و در دفعات بعدی یک جلدی است. تحقیق سمیر بن امین الزهیری القاهره: مکتبة التوحید الطبعة الاولى ۱۴۱۲/۱۹۹۱ جلد اول ۴۲۶ ص، جلد دوم ۷۸۴ ص. تا آنجا که نگارنده جستجو کرده این اولین چاپ کتاب به شمار

۳۶. ر. ک: الفتن، تحقیق سهیل زکار، ص ۱۳.

۳۷. لسان المیزان، ج ۳، ص ۴۰۸.

۳۸. الفتن، تحقیق زهیری، ج ۱، ص ۱۶.

۳۹. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۳۱۷-۳۱۹.

۴۰. نجاشی (ج ۲، ص ۴۰۷) وی را ناقل کتاب هارون بن عمر صحابی امام رضا (ع) می داند.

۴۱. الاعلام، ج ۸، ص ۴۰.

به عنوان صحابی نقل می کند، بخش قابل توجهی از احادیث را به واسطه جابر جعفی از امام باقر (ع) آورده است.

نکته چهارم: برخلاف تصور رایج که کتاب های فتن و ملاحم را مربوط و مخصوص نشانه های ظهور می داند، مطالعه آنها نشان می دهد که احادیث و آثاری که در آنها ذکر شده به فرض صحت، ارتباط مستقیم با ظهور مهدی (ع) ندارد و بسیاری از آنها پیشگویی هایی درباره حوادث آینده مسلمانان بوده که در صدر اسلام بیان شده و نامی از مهدی و ظهور او در این روایات نیست. البته ظهور مهدی (ع) به عنوان یکی از حوادث آینده نیز روایاتی از این کتاب ها را به خود اختصاص داده است؛ چنانکه بخش مهمی از آنها نیز درباره نشانه های قیامت (اشراط الساعة) است. با این حال و علی رغم ضعف این منابع و روایات آن ها، بخش قابل توجهی از این احادیث در کتاب های شیعه به عنوان نشانه های ظهور امام عصر (ع) تلقی شده و در حجم وسیعی نقل می شود.

۳. راوی کتاب

الفتن را ابوزید عبدالرحمان بن حاتم مرادی به سال ۲۸۰ هـ. ق (پنجاه سال پس از مرگ مؤلف) در مصر از نعیم بن حماد روایت کرده است. نام سلسله راویان از او در نسخه لندن چنین است: ابوبکر عبدالغفار بن محمد شیروی، ابوبکر محمد بن عبدالله بن احمد بن ریزه، ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایوب، عبدالرحمان بن حاتم مرادی از نعیم بن حماد مروزی. در نسخه ترکیه به جای نفر اول: ابوعلی داود بن سلیمان طوسی و فاطمه دختر عبدالله بن احمد جوزدانیه وجود دارند.^{۳۶} راوی اول یعنی عبدالرحمن مرادی نزد رجالیون اهل سنت توثیق نشده است. ابن جوزی او را متروک می داند و ابن حجر به نقل از یونس گوید: درباره او حرف هایی زده اند و به نقل از مسلم بن قاسم گوید موثق نیست و مرگ او را به سال ۲۹۴ ثبت کرده است.^{۳۷} گویا شخص دیگری نیز کتاب فتن نعیم را روایت کرده است، ولی نام او در سلسله روایات کتاب نیامده و تنها محقق چاپ دو جلدی کتاب به او اشاره کرده است.^{۳۸} نام او فضل بن محمد شعرانی است. ذهبی ضمن تجلیل از او می گوید به جمع آوری و تصنیف اشتغال داشته و

می رود؛ زیرا معجم احادیث المهدی که حجم زیادی از روایات الفتن را آورده و در سال ۱۴۱۱ منتشر شده است، به نسخه خطی آدرس می دهد، پیداست تا آن زمان کتاب منتشر نشده بود. زهیری در این چاپ بر همان دو نسخه انگلیسی و استامبولی اعتماد کرده است. همه روایات شماره گذاری شده، اما عناوین باب ها شماره ندارد در ابتدای اجزاء ده گانه عنوان باب ذکر نمی شود، چنانکه در نسخه خطی اینگونه است گرچه عنوان این باب ها در فهرست می آید. در این چاپ فهرست احادیث و آثار در انتهای جلد دوم آمده و غیر از این دو و فهرست موضوعات، فهرستی ندارد.

دوم، چاپ دیگر تحقیق سهیل زکار است که ۵۰۸ صفحه دارد و در مکه مکرمه توسط مکتبه التجاریه مصطفی احمد الباز منتشر شده است، گرچه به نوبت و تاریخ انتشار تصریح نشده، اما از مقدمه محقق با تاریخ ۱۰/۳۱/۱۹۹۱ می توان احتمال داد همزمان با چاپ دو جلدی عرضه شده باشد. تحقیق این چاپ نیز با تکیه به دو نسخه انگلیسی و استامبولی است و گاه لغاتی از متن در پاورقی توضیح داده می شود. گرچه با توجه به کمی نسخه ها و ناخوانا بودن یکی، انتظار چندانی برای ذکر اختلاف متون نیست و در چاپ های تحقیقی این کتاب نیز بیش از مقابله متن ها، به توضیح لغاتی از متن در پاورقی اکتفا شده است. زکار برای احادیث و آثار و همچنین ابواب شماره قرار نداده، اما در انتهای کتاب، پنج فهرست ارائه می کند: فهرست آیات، فهرست ابتدای احادیث، فهرست اعلام افراد، فهرست گروه ها و فهرست اماکن. با اینکه طبق معمول همه کتاب ها به فهرست های اعلام کاملاً اعتماد نمی شود، لیکن امتیاز این چاپ الفتن به شمار می رود.

سوم، چاپ تحقیقی سهیل زکار با مشخصات پیشین در سال ۱۴۱۴/۱۹۹۳ از سوی دارالفکر بیروت افسست شد و هیچ تغییری نسبت به چاپ مکه ندارد. این چاپ از کتاب الفتن در نرم افزار «معجم فقهی آیه الله گلپایگانی» موجود می باشد.

چهارم، بار دیگری که کتاب الفتن منتشر شده با مشخصات زیر و بدون عنوان «کتاب» عرضه شده است:

ضبطه و صححه و علن علیہ: مجدی بن منصور بن سید الشوری، بیروت: دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۸/۱۹۹۷ (۵۵۲ صفحه) در این چاپ سخن از نسخه های متعدد نیست بلکه از همان چاپ دارالفکر استفاده شده و مصحح ادعا کرده آن چاپ تصحیف و اشتباه فراوان داشته و او به تصحیح این اشتباهات اقدام نموده است. مصحح مرجعی برای این

تصحیح نداشته، بلکه می گوید بنا به تشخیص خود آن را اصلاح کرده ام. وی به چاپ قاهره اشاره ای نکرده است. در این نشر امتیازاتی به چشم می خورد: ۱. آدرس آیات قرآن در متن کتاب و با استفاده از کروش؛ ۲. تخریح احادیث؛ ۳. جرح و تعدیل روایان و حکم به صحت و ضعف حدیث بنا به تشخیص مصحح؛ ۴. تصحیح اشتباهات چاپ سهیل زکار؛ ۵. شماره گذاری احادیث و آثار؛ ۶. شماره گذاری باب ها؛ ۷. شرح حال مؤلف و بیان روش او؛ ۸. تنظیم فهرستی از ابتدای روایات. از میان این امتیازات که خود مصحح در مقدمه کتاب به آنها اشاره کرده، آدرس آیات و شماره گذاری ابواب و احادیث قابل توجه است، اما دیگر موارد ممکن است با اشکالاتی روبه رو شود. بیان شرح حال و روش مؤلف که مجموعاً در سه صفحه آمده برای چنین کتابی کافی به نظر نمی رسد و حکم به ضعف یا صحت روایات و جرح و تعدیل روایان گرچه خواننده را تا حد زیادی با شخصیت راوی و جایگاه حدیث آشنا می کند، اما به هر حال تشخیص و نظر مصحح کتاب است. تذکر روایات مکرر نیز کاملاً بیان نشده و بسیاری از آثار و احادیث که به صورت قطعه قطعه یا کامل تکرار شده در پاورقی به آن اشاره نرفته است و با آنکه وی چاپ قبلی را تصحیح کرده، هنوز هم اشکالاتی به چشم می خورد. با این همه باید اذعان داشت که همین اندازه تخریح ها و اشاره به صحت و ضعف روایات قابل توجه است ضمن اینکه چاپ دارالکتب از کیفیت بهتری برخوردار است. البته در چاپ سهیل زکار نیز توجه دادن به اختلاف نسخ - هر چند موارد آن کم است - و ارائه فهرست اعلام تا حدود زیادی راهگشاست و از امتیازات آن به حساب می آید. بنابراین برای مطالعه به خصوص برای محققان، مراجعه به هر دو چاپ لازم می نماید. توجه به این نکته هم بد نیست که دارالکتب العلمیه بیروت غالباً به نشر کتب آماده اقدام می کند و به دلیل اشکالاتی که در کتب چاپی آن انتشارات وجود دارد، اعتماد کامل به آن از بین می رود.

پنجم، آخرین چاپ کتاب الفتن طبع دوم دارالکتب العلمیه بیروت با همان مشخصات قبلی است که در سال ۱۴۲۳/۲۰۰۲ منتشر شده است. تفاوت این نوبت چاپ با قبلی تنها در شکل روی جلد است و از نظر متن تغییری ندارد.

انتخاب عنوان الفتن و جمع این همه روایت چه بوده و چه زمانی این میراث عظیم جعل و به پیامبر یا صحابه او نسبت داده شده و چه کسی آنها را ساخته است؟ مهم تر اینکه چگونه اوضاع و محیط آن زمان این روایات را پذیرفته و رواج داده است؟^{۴۹}

محقق کتاب الفتن حنبل بن اسحاق (پسر عموی احمد بن حنبل) در مقایسه ای میان کتاب او و الفتن ابن حماد می نویسد: انعم (که در طبقه شیوخ حنبل به شمار می رود) کتاب مشهوری در موضوع فتن نوشته و بسیاری از احادیث و آثار مربوط به فتنه ها و اشراف الساعه را گزارش کرده، اما بین مقبول و مردود خلط کرده و خیلی از اسرائیلیات را از وهب بن منبه و کعب الاحبار و غیر آنان آورده است. در این کتاب عجائبی است که در احادیث صحیح یافت نمی شود... از جمله احادیث ساختگی که متعرض آن شده، روایات سفیانی است که دوازده باب را به آن اختصاص داده و هیچ کدام صحیح نیست، برخلاف الفتن حنبل بن اسحاق که غالب آن احادیث مقبول است.^{۵۰}

با این همه، روایاتی که با اعتقاد شیعه مطابق باشد و در منابع معتبر نیز هست در این کتاب وجود دارد لیکن از آنجا که برخی طرق آنها ضعف دارد در برابر اهل سنت نمی توان به آنها استناد کرد بلکه باید به احادیثی روی آورد که از نظر آنان نیز صحیح به شمار رود. البته آنچه از این کتاب استفاده می شود دیدگاه مؤلف درباره مهدی و همچنین جایگاه روایات مهدویت و نشانه های ظهور در آن دوره تاریخی است.

تاثیر کتاب

اگر کتاب الفتن ابن حماد را اولین مجموعه مستقلی بدانیم که در موضوع خود نوشته شده است باید اذعان کرد بسیاری از مؤلفان پس از او روایات مربوط به این موضوع را از او اخذ کرده اند گذشته از متقدمانی چون ابونعیم اصفهانی و حاکم نیشابوری، در قرن هفتم سلمی شافعی حجم عظیمی از روایات کتاب نعیم را در عقد الدرر آورده است. سیوطی در کتاب «العرف الوردی

۴۲. لسان المیزان، ج ۳، ص ۴۰۸.

۴۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۳۱۸.

۴۴. تهذیب الکمال، ج ۲۹، ص ۴۷۶.

۴۵. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۶۰۹.

۴۶. الفتن، چاپ دارالکتب، ص ۸۰، ح ۲۰۵.

۴۷. همان، ص ۲۶۵، ح ۱۰۴۴.

۴۸. همان، ص ۷.

۴۹. الفتن، چاپ دارالفکر، ص ۴.

۵۰. الفتن، حنبل بن اسحاق، ص ۶۸.

۶. اعتبار کتاب

با وجود تأثیر فراوانی که الفتن نعیم بن حماد در میان اهل سنت و شیعیان دارد و بسیاری از روایات علائم ظهور از آن نقل می شود، اعتبار چندانی برای آن نمی توان قائل شد. چون ۱. نسبت این کتاب به مؤلف قطعی نیست و محدثان و رجالین قدیمی اهل سنت از چنین کتابی یاد نکرده اند؛ ۲. عبدالرحمن مرادی که نام او به عنوان راوی الفتن در نسخه های موجود آمده، توثیق نشده، بلکه درباره او مطالبی گفته اند^{۴۲} و فضل بن محمد که راوی دیگر کتاب معرفی شده،^{۴۳} نسخه ای از او به دست نیامده است؛ ۳. به گفته رجالین اهل سنت مؤلف کتاب اشتباه زیاد می کرده و احادیثی نادرست نقل نموده و گاه جعل هم کرده است.^{۴۴} ذهبی گوید: نعیم در کتاب الفتن مطالب عجیب و مردود نقل می کند؛^{۴۵} بسیاری از روایات کتاب موقوف یا مقطوع است و سند آن به رسول خدا نمی رسد. بنابراین حتی اگر موقوفات و مقطوعات نزد اهل سنت هم قابل توجیه باشد، آنچه مربوط به فتن است محل تأمل است. از نظر شیعه نیز چنین آثاری حجت نیست و آنچه به رسول خدا می رسد، اگر با قرائن و روایات شیعه تطبیق نکند پذیرفتنی نخواهد بود و در کتاب الفتن از این گونه احادیث کم نیست؛ ۵. در این کتاب روایاتی نقل شده که ساختگی بودن آن آشکار است. نمونه ای از این روایات را در ابواب مربوط به خلفای پس از رسول خدا می بینیم که در آن به ترتیب خلفای سه گانه، احادیثی به رسول خدا (ص) نسبت داده اند یا به علی (ع) نسبت داده اند که فرمود با معاویه مبارزه نکنید؛ زیرا به هر حال امیری نیکوکار یا فاجر لازم است.^{۴۶} یا همان گونه که احادیثی درباره فاطمی بودن مهدی (ع) گزارش کرده از کعب الاحبار روایت کرده است که مهدی از فرزندان عباس است.^{۴۷}

محقق چاپ دارالکتب در پاورقی کتاب به جعلی بودن یا ضعف بسیاری از روایات کتاب اشاره می کند.

۶. وی همچنین در مقدمه می گوید: «نقل بسیاری از روایات ضعیف و ساختگی، نقل بسیاری از موقوفات و مقطوعات، آوردن روایاتی از اهل کتاب و نقل روایاتی از مجاهیل از اشکالات این کتاب است.^{۴۸} سهیل زکار هم در مقدمه چاپ دیگر گوید:

از مطالعه این کتاب این سؤالات پیش می آید که انگیزه

فهرست منابع

۱. انساب الاشراف، احمد بن یحیی بلاذری (۲۷۹م) تحقیق زکار، زرکلی؛ بیروت: دارالفکر ۱۴۱۷ق.
۲. الاعلام، خیرالدین زرکلی.
۳. بغیة الطلب فی تاریخ حلب، ابن العدیم؛ تحقیق سهیل زکار؛ بیروت: دارالفکر بی تا.
۴. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی (۴۶۳م) تحقیق عبدالقادر عطا؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۵. تاریخ الطبری، محمد بن جریر الطبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ بیروت: دارالتراث، بی تا.
۶. تاریخ سیاسی اسلام، رسول جعفریان، قم: الهادی ۱۳۷۷.
۷. تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۲۸۴م)، تحقیق عبدالامیر مهنا؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۳ق.
۸. التشریف بالمنن (مشهور به ملاحم) رضی الدین علی ابن طاووس، تحقیق و نشر مؤسسه صاحب الامر قم، ۱۴۱۶ق.
۹. تهذیب الکمال، جمال الدین یوسف مزنی، تحقیق بشار عواد معروف؛ بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
۱۰. تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۴ق.
۱۱. رجال النجاشی، ابوالعباس احمد بن علی النجاشی تحقیق نائینی؛ بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۸ق.
۱۲. سیر اعلام النبلاء، شمس الدین محمد ذهبی؛ بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۲۲ق.
۱۳. الطبقات الکبری، محمد بن سعد، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۱۴. الغیبه، شیخ الطائفه طوسی؛ تحقیق طهرانی و ناصح قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷ق.
۱۵. الفتن، حنبل بن اسحاق بن حنبل شیبانی (۲۷۳م) تحقیق عامر حسن، بیروت: دارالبشائر، ۱۴۱۹ق.
۱۶. الکامل فی ضعفاء الرجال، عبدالله بن عدی الجرجانی تحقیق عبدالوجود و معوض، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۰ق.
۱۸. الملل والنحل، ابوالفتح محمد الشهرستانی، تحقیق گیلانی، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.

فی اخبار المهدی» به نقل از ابن حماد روایت می کند و متقی هندی در کتاب «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» گاه مستقیماً از ابن حماد و گاه به واسطه شافعی یا سینوطی از وی نقل کرده است. او در کنز العمال نیز از الفتن فراوان نقل می کند. از میان عالمان شیعه سید بن طاووس یک بخش از چهار بخش کتاب ملاحم خود را به روایات کتاب الفتن ابن حماد اختصاص داده و محدثان بعدی شیعه که روایات کتاب سید را گزارش کرده اند بدون توجه به منبع اصلی آن، احادیث را به نقل از یک عالم شیعی در تألیفات خود آورده اند. علامه مجلسی روایات الفتن را به نقل از ابن طاووس گزارش کرده و معجم احادیث المهدی، نوائب الدهور فی علائم الظهور، معجم الملاحم و الفتن و عصر الظهور که در دهه های اخیر منتشر شده به طور مستقیم و گاه به واسطه ابن طاووس بسیاری از روایات الفتن را آورده اند. منتخب الاثر هم روایاتی از او را به نقل از کتاب سید بن طاووس یا البرهان متقی نقل می کند. بنابراین بیشتر آنچه از کتاب سید (التشریف بالمنن) گزارش می شود در واقع منسوب به فتن ابن حماد است چون روایاتی که سید به استناد کتاب های الفتن سلیلی و زکریا هم آورده گاه به همان نعیم بن حماد برگشت دارد. علاوه بر این منابع، در برخی کتب قدیمی مانند مسند احمد و صحاح سته و دیگر کتب روایی عامه، روایاتی که نعیم در الفتن دارد از همان روایان نقل شده که احتمال تأثیرپذیری آنان هم از وی بعید نیست چون ایشان معاصر نعیم بوده یا پس از او آمده اند و هیچ کدام بر او تقدم ندارند. حتی شیخ طوسی نیز دو مورد به سند خود از ابن حماد روایت می کند^{۵۱} که این دو روایت در کتاب الفتن موجود است. بنابراین کتاب الفتن ابن حماد یا مجموعه روایات او در منابع روایی شیعه و عامه جایگاه مهمی به خود اختصاص داده و حجم گسترده ای از آنچه او در موضوع مهدویت و نشانه های ظهور گزارش کرده در کتاب های بعدی آمده است. از این رو هنگام بررسی و تحلیل این روایات باید به این تأثیرپذیری توجه داشت و تنها به نقل آنها بسنده نکرد.

۵۱. الغیبه، ص ۱۸۵ و ۴۵۲.